

The Social Implications of the Qur'anic Verse “فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ”: A Study Based on Contemporary Qur'anic Exegeses

(Received: 2026-01-10 Acceptance: 2026-03-16)

Mohammad Javad Herati ¹ , Mostafa Rostami ² ,
Elham Sadat Hejazi ³ 

Abstract

Qur'an 94:7, “فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ”, occurs after a series of references to divine favors bestowed upon the Prophet Muhammad (PBUH) and the affirmation of the inseparability of ease from hardship. The verse calls upon the Prophet to persevere in continued striving and exertion. The present study aims to elucidate the social implications (dalalat-e ejtema'i) of this verse through an examination of contemporary Qur'anic exegeses, while maintaining a methodological distinction between the exegetical signification of the verse and the social inferences derived from it. Employing a descriptive-analytical methodology and a comparative exegetical approach, the study examines the interpretations of Allameh Tabataba'i in *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Makarem Shirazi and his colleagues in *Tafsir Nemuneh*, Ibn Ashur in *Al-Tahrir wa al-Tanwir*, and Sayyid Qutb in *Fi Zilal al-Qur'an*. The findings demonstrate that, despite differences among the exegetes concerning the referent of “فَرَغْتَ” (faraghta), they converge on the principle of the continuity of action and the rejection of inactivity, passivity, and the suspension of responsibility. Ibn Ashur, in particular, more explicitly articulates the social dimension of the verse by emphasizing the succession and continuity of deeds (ta'aqub al-a'mal) and relating it to establishing the religion and serving the interests of the community (taqrir al-din wa naf' al-ummah). A comparative analysis of the exegetical perspectives yields seven principal social implications: the continuity of responsibility; the cultivation of a culture of effort and purposeful activity; the effective utilization of opportunities; the interrelation between individual responsibility and the common good; the continuity of reform-oriented action; the teleological and God-oriented character of human activity; and the transformation of divine blessings and relief into a basis for assuming greater responsibility. The study concludes that, beyond its devotional and ethical dimensions, the verse offers a conceptual framework for understanding the responsible individual and society: the completion of one mission constitutes the point of departure for another responsibility, while social action, when oriented toward God and grounded in a tawhidic worldview, can function as a means of realizing the common good.

Keywords: Holy Qur'an; Qur'an 94:7; فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ; Social Implications; Social Responsibility; Contemporary Qur'anic Exegesis; Tafsir Studies

1. Professor, Department of Political Science, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author) m.harati@basu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

3. PhD Candidate in Qur'anic Sciences and Hadith, Allameh Askari International University



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

مطالعات اجتماعی
و تمدنی

دوره چهارم

شماره دوم

پیاپی: ۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

دلالت‌های اجتماعی آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»، از منظر تفاسیر معاصر

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵)

محمد جواد هراتی^۱

مصطفی رستمی^۲

الهام سادات حجازی^۳

چکیده

آیه هفتم سوره انشراح، با تعبیر «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»، پس از یادکرد مجموعه‌ای از الطاف الهی نسبت به پیامبر اکرم (ص) و تأکید بر همراهی یسر با عسر، آن حضرت را به استمرار تلاش و مجاهدت فرا می‌خواند. مسئله پژوهش حاضر، تبیین دلالت‌های اجتماعی این آیه بر پایه خوانش تفاسیر معاصر و تفکیک میان مفاد تفسیری و استنباط‌های اجتماعی حاصل از آن است. پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی و رویکرد تطبیقی، دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان، مکارم شیرازی و همکاران در تفسیر نمونه، ابن عاشور در التحرير والتنویر و سید قطب در فی ظلال القرآن را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفسران، با وجود تفاوت در تعیین متعلق «فرغت»، در اصل استمرار عمل و نفی سکون و تعطیلی مسئولیت اشتراک دارند. در این میان، ابن عاشور با تأکید بر «تعاقب الأعمال» و پیوند آن با «تقریر الدین ونفع الأمة»، ظرفیت اجتماعی آیه را آشکارتر بیان کرده است. از مقایسه دیدگاه‌ها، هفت دلالت اجتماعی قابل استخراج است: استمرار مسئولیت، فرهنگ تلاش و فعالیت هدفمند، بهره‌گیری از فرصت، پیوند مسئولیت فردی با خیر عمومی، استمرار حرکت اصلاحی، جهت‌مندی الهی فعالیت و تبدیل نعمت و گشایش به زمینه مسئولیت بیشتر. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که آیه، در کنار معنای عبادی و تربیتی، الگویی از انسان و جامعه مسئول ارائه می‌کند که در آن پایان یک مأموریت، آغاز مسئولیتی دیگر و فعالیت اجتماعی، در صورت جهت‌گیری توحیدی، مقدمه تحقق خیر عمومی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیه ۷ سوره انشراح، دلالت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، تفاسیر معاصر،

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

(نویسنده مسؤول) m.harati@basu.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری.



۱. مقدمه

قرآن کریم افزون بر ارائه معارف اعتقادی و برنامه‌های عبادی، اصولی را برای سامان‌دهی حیات انسانی و اجتماعی ارائه می‌کند. بخش مهمی از این اصول در آیاتی قابل مشاهده است که گرچه در نخستین سطح خطاب، ناظر به شخصیت پیامبر اکرم (ص) و شرایط رسالت ایشان است، اما به دلیل برخورداری از ساختارهای عام مفهومی، ظرفیت تبیین اصولی فراگیر درباره رفتار انسانی و مسئولیت اجتماعی را داراست. سوره انشراح از جمله سوره‌هایی است که در آن، رابطه میان الطاف الهی، تحمل دشواری‌های مسیر رسالت و استمرار مسئولیت مورد توجه قرار گرفته است. این سوره با یادکرد نعمت‌های الهی نسبت به پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود:

﴿الَمْ نُنْخِزْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾^۱ و پس از بیان همراهی آسانی با سختی، با فرمان: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ پایان می‌یابد.

آیه هفتم سوره انشراح به دلیل دو واژه محوری «فَرَّغْتَ» و «فَانصَبْ» مورد توجه مفسران قرار گرفته است. اختلاف اصلی میان مفسران درباره این آیه، بیشتر به تعیین متعلق «فراغت» و مصداق «نصب» بازمی‌گردد؛ برخی آن را ناظر به فراغت از عبادتی خاص و اشتغال به عبادتی دیگر دانسته‌اند و برخی با توجه به اطلاق تعبیر، معنای گسترده‌تری برای استمرار عمل مطرح کرده‌اند.

علامه طباطبایی با بررسی احتمالات مختلف، آیه را در چارچوب استمرار عبودیت و توجه به خداوند تحلیل می‌کند و ارتباط میان «فانصب» و «وإلی ربک فارغب» را مورد توجه قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۶-۳۱۷).

علامه طباطبایی در تحلیل پیوند این آیات، بر نقش حرف «فاء» در آغاز «فإذا» تأکید می‌کند و معتقد است این ساختار، آیه را نتیجه مطالب پیشین درباره رسالت پیامبر (ص)، شرح صدر، برداشتن بار سنگین و الطاف الهی نسبت به آن حضرت قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۶). بر اساس این تحلیل، فرمان به تلاش پس از بیان نعمت‌های الهی، نشان‌دهنده آن است که گشایش و یاری الهی، زمینه استمرار حرکت و مسئولیت است، نه موجب توقف.

در تفسیر نمونه نیز با توجه به اطلاق آیه، بر این نکته تأکید شده است که انسان پس از پایان یافتن یک کار مهم، نباید به رکود روی آورد، بلکه باید به انجام کار مهم دیگری بپردازد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ش، ج ۲۷: ۱۲۸).

ابن عاشور در *التحریر والتنویر*، با تحلیل ساختار ادبی آیه، حذف متعلق «فرغت» را دارای نقشی مهم در تعمیم معنا می‌داند. از نظر وی، این حذف موجب می‌شود که آیه به مصداقی خاص محدود نشود، بلکه بر پیوستگی اعمال مهم و تعاقب آنها دلالت کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج. ۳۰، ص. ۳۶۸).

سید قطب نیز آیات پایانی سوره انشراح را در چارچوب حرکت رسالی پیامبر (ص) تفسیر کرده و بر پیوند میان تلاش در مسیر دعوت و ارتباط مستمر با خداوند تأکید می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج. ۶، ص. ۳۹۲۹).

بررسی این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که اگرچه تفاسیر در تعیین مصداقی آیه تفاوت دارند، اما در یک اصل مشترک‌اند و آن اینکه «فراغت» در این آیه به معنای پایان یافتن مسئولیت نیست؛ بلکه مقدمه ورود به مرحله‌ای جدید از تلاش و بندگی است.

با توجه به این ظرفیت تفسیری، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: دلالت‌های اجتماعی آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» بر اساس تفاسیر معاصر چگونه قابل تبیین است؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان از مجموعه داده‌های تفسیری، بدون فاصله گرفتن از معنای اصیل آیه، اصولی مانند استمرار مسئولیت، تلاش هدفمند و توجه به خیر عمومی را استخراج کرد؟

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از چهار تفسیر معاصر، ضمن تبیین معنای تفسیری آیه، ظرفیت‌های اجتماعی آن را در قالب محورهای موضوعی استخراج و دسته‌بندی کند.

۲. پیشینه پژوهش

آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» در تفاسیر قرآن از دیرباز مورد توجه قرار گرفته و محور اصلی بحث‌ها، تعیین معنای «فراغت» و «نصب» بوده است. در میزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی آیه را در پیوند با ساختار کلی سوره تحلیل می‌کند. از نگاه ایشان، خطاب آیه متوجه پیامبر اکرم (ص) است و با توجه به سیاق سوره، پس از بیان الطاف الهی و دشواری‌های رسالت، پیامبر (ص) به استمرار در مسیر خداوند دعوت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج. ۲۰: ۳۱۶-۳۱۷). از این رو، محور اصلی تفسیر علامه، رابطه میان مسئولیت رسالی و عبودیت است.

در تفسیر نمونه، رویکرد تربیتی و عمومی آیه برجسته‌تر است. مفسران این اثر با توجه به اطلاق تعبیر «فَإِذَا فَرَغْتَ»، آن را قاعده‌ای کلی برای زندگی انسان دانسته‌اند که پس از پایان یک فعالیت ارزشمند، باید به فعالیت ارزشمند دیگری



پرداخت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷: ۱۲۸).
در *التحریر والتنویر*، ابن عاشور با رویکردی ادبی و مقاصدی به تحلیل آیه پرداخته است. وی بر حذف متعلق «فرغت» تأکید می‌کند و معتقد است این ویژگی زبانی موجب می‌شود معنا از مصداقی خاص فراتر رود. همچنین، وی مفهوم تعاقب اعمال را مطرح کرده و استمرار فعالیت پیامبر (ص) را در جهت تحقق اهداف دین و تأمین منافع امت تحلیل می‌کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۳۶۸).

در *فی ظلال القرآن*، سید قطب آیه را در چارچوب حرکت دعوت و رسالت تفسیر می‌کند. وی بر این باور است که تلاش در مسیر رسالت باید با ارتباط مستمر با خداوند همراه باشد؛ از این رو، فرمان «فَأَنْصَبْ» در پیوند با «وَالِیْ رِیْكَ فَارْغَبْ» معنا می‌یابد (سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ج ۶، ص ۳۹۲۹).

همچنین مطالعات مرتبط با سوره انشراح غالباً بر موضوعاتی مانند آرامش مؤمن، امیدواری، رابطه عسر و یسر، صبر و استقامت پیامبر (ص) و پیام‌های تربیتی سوره تمرکز داشته‌اند. با این حال، بررسی نظام‌مند ظرفیت اجتماعی آیه هفتم سوره انشراح و استخراج مؤلفه‌های اجتماعی آن بر اساس مقایسه چند تفسیر معاصر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

برخی مطالعات، آیه را از منظر اخلاق فردی و تربیت معنوی بررسی کرده‌اند؛ اما مسئله این پژوهش متفاوت است؛ زیرا هدف آن ارائه برداشت اجتماعی مستقل از آیه نیست، بلکه بازسازی دلالت‌های اجتماعی نهفته در تحلیل‌های تفسیری موجود است. لذا از این منظر، خلأ پژوهشی حاضر در سه محور قابل بیان است:

۱. فقدان مطالعه تطبیقی میان تفاسیر منتخب: اگرچه هر یک از تفاسیر مورد بررسی، آیه را تفسیر کرده‌اند، اما مقایسه چهار رویکرد تفسیری متفاوت درباره ظرفیت اجتماعی آیه، کمتر صورت گرفته است.

۲. عدم تفکیک میان معنای تفسیری و دلالت اجتماعی: در برخی برداشت‌ها، مفاهیم اجتماعی مستقیماً به آیه نسبت داده می‌شوند؛ در حالی که پژوهش حاضر تلاش می‌کند ابتدا دیدگاه مفسران را استخراج و سپس دلالت اجتماعی را بر پایه آن تحلیل کند.

۳. نبود دسته‌بندی مفهومی از پیام‌های اجتماعی آیه: پژوهش حاضر می‌کوشد مفاهیمی مانند استمرار مسئولیت، تلاش هدفمند، پیوند عمل و معنویت، و خیر عمومی را در قالب یک نظام مفهومی منسجم ارائه کند.

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد

تطبیقی است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و تحلیل آن‌ها بر اساس مطالعه مستقیم آیه، سیاق سوره و تفاسیر منتخب انجام گرفته است.

۴. مبانی مفهومی و تحلیل واژگان و سیاق آیات ۱ تا ۸ سوره انشراح

۴-۱. جایگاه آیه ۷ سوره انشراح در ساختار سوره

فهم دقیق آیه هفتم سوره انشراح، بدون توجه به سیاق کلی سوره امکان پذیر نیست؛ زیرا این آیه در پایان زنجیره‌ای از معانی قرار گرفته که از یادآوری الطاف الهی نسبت به پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود و با فرمان به استمرار تلاش و روی‌آوری به خداوند پایان می‌یابد.

سوره انشراح با استفهام تقریری آغاز می‌شود: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» خداوند در این آیات، از چهار نعمت بزرگ نسبت به پیامبر اکرم (ص) یاد می‌کند: شرح صدر، برداشتن بار سنگین، رفع دشواری و رفعت ذکر. پس از آن، سنت همراهی گشایش با دشواری را بیان می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» و سپس نتیجه عملی این گشایش را مطرح می‌کند: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ»

از نظر ساختاری، حرف «فاء» در آغاز «فَإِذَا» نشان‌دهنده ارتباط این فرمان با مطالب پیشین است. بر اساس این ارتباط، هنگامی که خداوند از عنایت‌های خود نسبت به پیامبر (ص) و همراهی یسر با عسر سخن می‌گوید، نتیجه آن نه کناره‌گیری و آرامش منفعلانه، بلکه استمرار حرکت و تلاش است. مرحوم علامه طباطبایی با توجه به همین پیوستگی، آیه را متفرع بر آیات پیشین می‌داند و معتقد است پس از بیان نعمت‌های الهی و تحمل بار رسالت، پیامبر (ص) مأمور می‌شود که پس از فراغت از یک امر، به امر دیگری در مسیر خداوند بپردازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۶). ابن عاشور نیز سیاق آیات را در جهت تقویت پیامبر (ص) و آماده ساختن او برای ادامه مسیر رسالت تحلیل می‌کند. از نظر وی، ذکر نعمت‌ها و وعده همراهی آسانی با سختی، مقدمه‌ای برای فرمان به استمرار عمل است؛ زیرا مقصود آن است که پیامبر (ص) پس از انجام یک وظیفه، به وظیفه‌ای دیگر روی آورد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۳۶۸). بنابراین، در ساختار سوره، آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» حلقه اتصال میان نعمت الهی و مسئولیت انسانی است؛ یعنی برخورداری از یاری و گشایش الهی، زمینه توقف نیست، بلکه زمینه تلاش بیشتر است.



۲.۴. تحلیل واژه «فَرَعَتْ»

واژه «فرغ» از ریشه «ف ر غ» است. اصل این ماده در زبان عربی به معنای خالی شدن و تهی گشتن است؛ چنان که ظرفی که محتویات آن پایان یافته باشد، «فارغ» نامیده می شود. این معنا سپس در مورد انسان توسعه یافته و برای پایان یافتن یک کار یا رهایی از اشتغال به آن به کار رفته است.

راغب اصفهانی، «فراغ» را به معنای خالی شدن از اشتغال به کاری می داند و توضیح می دهد که این واژه گاهی درباره پایان یافتن یک عمل به کار می رود (راغب اصفهانی، ۵۰۲ق، ص ۸۰۷). در آیه مورد بحث، فعل «فرغت» به صورت مطلق آمده است و متعلق آن ذکر نشده است. همین حذف متعلق در فَاِذَا فَرَعْتَ، یکی از نکات مهم در تحلیل مفسران است.

ابن عاشور بر این نکته تأکید می کند که عدم ذکر متعلق «فراغت» سبب می شود معنا محدود به یک کار خاص نباشد؛ بلکه هرگاه پیامبر (ص) از کاری که بر عهده او بوده فارغ شد، وارد کار دیگری شود. وی این ساختار را زمینه ای برای مفهوم «تعاقب الأعمال» می داند؛ یعنی پیوستگی و دنبال شدن اعمال مهم پس از یکدیگر (ابن عاشور، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۸). بر اساس این تحلیل، «فراغت» در آیه به معنای پایان یافتن مسئولیت نیست؛ بلکه به معنای پایان یافتن یک مرحله از مسئولیت است.

در «تفسیر نمونه» نیز با توجه به اطلاق تعبیر، آیه چنین تفسیر شده است که هرگاه انسان از کار مهمی فارغ شد، باید به کار مهم دیگری بپردازد؛ زیرا در منطق قرآن، فراغت نباید به بیکاری و تعطیلی فعالیت های ارزشمند منجر شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ش، ج ۲۷، ص ۱۲۸). البته در اینجا باید میان «فراغت از کار» و «فراغت از مسئولیت» تفاوت گذاشت. هیچ یک از این تفاسیر، آیه را به معنای نفی استراحت طبیعی یا نیازهای انسانی نمی دانند؛ بلکه موضوع آیه، پایان یافتن یک مرحله از فعالیت و آمادگی برای مسئولیت بعدی است.

۳.۴. تحلیل واژه «فَانْصَبْ»

واژه «نصب» از ریشه «ن ص ب» گرفته شده و در اصل به معنای برپا داشتن و قرار دادن است؛ اما در کاربردهای قرآنی، گاه بر معنای تحمل رنج، کوشش و مشقت دلالت می کند. (فراهیدی، ۲۰۰۳م، ج ۲: ۱۷۱ / مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۵۸۲ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۷۲)

راغب اصفهانی و ابن منظور، «نصب» را به معنای تعب (ابن منظور، ۱۴۱۴ه، ج ۱:

۷۵۸)، و رنج ناشی از تلاش معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۵۰۲ق، ص ۸۰). در آیه: فَاَنْصَبْ این واژه در قالب امر آمده و بر انجام تلاش همراه با جدیت دلالت دارد. علامه طباطبائی، «انصاب» را در ارتباط با عبادت و دعا پس از فراغت از امور دیگر تحلیل می‌کند. از نظر وی، آیه پیامبر (ص) را به ادامه مجاهدت در راه خداوند دعوت می‌کند و فراغت از یک وظیفه را مقدمه اشتغال به وظیفه‌ای دیگر می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۷).

ابن عاشور نیز «فانصب» را به معنای، خود را در کار بعدی به زحمت انداختن و با جدیت به آن پرداختن می‌داند. وی معتقد است مقصود از این تعبیر، اشتغال به اعمال مهمی است که استمرار رسالت و تحقق اهداف دینی را تأمین می‌کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳: ۳۶۸/ حویزی ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۶۰۵).

در فی ظلال القرآن، این تعبیر در چارچوب حرکت رسالی پیامبر (ص) تحلیل می‌شود. سید قطب معتقد است پس از پایان یافتن اشتغالات مربوط به مردم و زندگی، پیامبر (ص) باید با تمام وجود به سوی خداوند متوجه شود تا توان ادامه مسیر را بیابد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۹۲۹). بنابراین، وجه مشترک تفاسیر آن است که «نَصَب» بر تلاش جدی و استمرار حرکت دلالت دارد؛ هرچند مصداق این تلاش در نگاه هر مفسر متفاوت است.

۴.۴. تحلیل ارتباط «فانصب» با «وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ»

آیه هفتم سوره انشراح بدون توجه به آیه هشتم ناقص خواهد بود: وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ در این آیه، جهت نهایی تلاش مشخص می‌شود. اگر «فانصب» بر تلاش و کوشش دلالت دارد، «وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» غایت و مقصد این تلاش را تعیین می‌کند. علامه طباطبائی این پیوند را اساس فهم آیات پایانی سوره می‌داند و معتقد است تلاش پیامبر (ص) باید در مسیر توجه و رغبت به خداوند باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۷). سید قطب نیز بر این نکته تأکید می‌کند که نیروی لازم برای ادامه حرکت رسالی از ارتباط با خداوند سرچشمه می‌گیرد و عبادت و توجه قلبی، پشتوانه فعالیت‌های بیرونی است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۹۲۹).

از منظر تحلیل اجتماعی، این ارتباط اهمیت فراوان دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که در منطق آیه، «فعالیت» به خودی خود ارزش نهایی نیست، بلکه فعالیتی مطلوب است که از جهت الهی برخوردار باشد.

۵.۴. جمع بندی مفهومی بخش

بررسی واژگان اصلی آیه نشان می‌دهد که ساختار معنایی آن بر چهار مفهوم

ظرفیت دلالت اجتماعی	معنای تفسیری	مفهوم قرآنی
انتقال مسئولیت و آغاز مرحله جدید	پایان یافتن یک مرحله از کار	فراغت
فرهنگ فعالیت هدفمند	تلاش همراه با جدیت	نصب
ارزش گذاری الهی فعالیت	جهت گیری به سوی خداوند	رغبت
تبدیل گشایش به زمینه خدمت	عبور از نعمت به مسئولیت	سیاق سوره

بر این اساس، آیه هفتم سوره انشراح در سطح نخست، فرمانی خطاب به پیامبر اکرم (ص) در مسیر رسالت است؛ اما به دلیل ساختار عام مفاهیم «فراغت»، «نصب» و «رغبت»، ظرفیت ارائه اصولی برای فهم مسئولیت انسانی و اجتماعی را نیز داراست.

۵. تحلیل تطبیقی آیه ۷ سوره انشراح در تفاسیر معاصر

آیه هفتم سوره انشراح: فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ از جمله آیاتی است که به دلیل حذف متعلق فعل «فرغت» و گستره معنایی فعل «انصب»، مورد توجه مفسران قرار گرفته است. بررسی تفاسیر معاصر نشان می دهد که مفسران در تعیین مصداق آیه تفاوت هایی دارند؛ اما در یک محور مشترک هم نظرند و آن اینکه آیه بر استمرار حرکت، عدم توقف پس از پایان یک مرحله و جهت دهی فعالیت به سوی خداوند دلالت دارد.

در این بخش، دیدگاه چهار تفسیر منتخب بررسی می شود.

۱.۵. تحلیل آیه در «المیزان فی تفسیر القرآن»

علامه طباطبایی آیات پایانی سوره انشراح را در ارتباط مستقیم با مطالب پیشین سوره تحلیل می کند. از نگاه ایشان، خداوند پس از یادآوری نعمت هایی که به پیامبر اکرم (ص) عطا کرده و پس از بیان سنت همراهی آسانی با دشواری، او را به استمرار در مسیر بندگی و رسالت فرمان می دهد.

علامه در تبیین آیه: فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ به اختلاف اقوال درباره متعلق «فراغت» اشاره می کند و برخی احتمالات مطرح شده در تفاسیر را گزارش می نماید؛ از جمله اینکه مراد فراغت از نماز، جهاد یا امور مربوط به رسالت باشد. با این حال، از سیاق آیات استفاده می کند که مقصود، اشتغال پیوسته پیامبر (ص) به اموری است که او را به خداوند نزدیک می کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۱۶، ۳۱۷).

از نظر علامه، ارتباط آیه هفتم با آیه هشتم بسیار مهم است؛ زیرا فرمان به

تلاش بلافاصله با فرمان به رغبت به خداوند همراه شده است: «وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» بنابراین، تلاش مورد نظر قرآن، تلاش مستقل و جدا از خداوند نیست، بلکه تلاشی است که در مسیر عبودیت و تقرب قرار دارد.

۱.۱.۵. تحلیل مفهوم «فراغت» در المیزان

در تفسیر علامه، «فراغت» به معنای رهایی مطلق از مسئولیت نیست؛ بلکه به معنای پایان یافتن یک امر و آغاز امر دیگری است. بر این اساس، اگر پیامبر (ص) از یک وظیفه فراغت یافت، وظیفه او پایان نمی‌یابد؛ بلکه باید به مرحله‌ای دیگر از بندگی و تلاش وارد شود. این برداشت با ساختار کلی سوره نیز هماهنگ است؛ زیرا خداوند پس از بیان رفع سختی‌ها، پیامبر را به استمرار حرکت دعوت می‌کند، نه به آسودگی و توقف. (طباطبایی، ج ۲۰: ۳۱۷)

۲.۱.۵. تحلیل مفهوم «نصب» در المیزان

علامه، «انصب» را ناظر به جدیت در عبادت و توجه به خداوند می‌داند. در این نگاه، نصب به معنای تحمل مشقت در راه خداوند است. بر اساس این تحلیل، ارزش عمل نه صرفاً در مقدار فعالیت، بلکه در جهت آن است. فعالیت هنگامی ارزشمند است که به خداوند منتهی شود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۱۷)

۳.۱.۵. دلالت‌های قابل استخراج از دیدگاه المیزان

با رعایت تفکیک میان سخن مفسر و استنباط پژوهشگر، از تحلیل علامه می‌توان دلالت‌های زیر را استخراج کرد:

اول: پیوند میان مسئولیت و معنویت در نگاه المیزان، فعالیت انسانی زمانی معنا می‌یابد که در مسیر عبودیت قرار گیرد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۱۷). دوم: نفی توقف پس از موفقیت گشایش‌ها و الطاف الهی مقدمه ادامه حرکت هستند، نه دلیل کناره‌گیری از مسئولیت. سوم: ضرورت جهت‌گیری الهی در فعالیت. این آیه با قرار دادن «فانصب» در کنار «فارغب»، نشان می‌دهد که فعالیت بدون جهت معنوی، تمام مقصود آیه نیست. بنابراین، در چارچوب المیزان، دلالت اجتماعی آیه بیش از آنکه بر «کار» به معنای عام تأکید کند، بر مسئولیت‌پذیری انسان مؤمن در مسیر الهی استوار است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۱۷)

۲.۵. آیه در «تفسیر نمونه»

تفسیر نمونه در مواجهه با آیه هفتم سوره انشراح، بیشتر بر پیام تربیتی و کاربردی



آیه تأکید دارد. این تفسیر تلاش می‌کند از اطلاق آیه، اصلی عمومی برای زندگی انسان استخراج کند. در این تفسیر آمده است که: «هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی به کار مهم دیگری بپرداز» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷: ۱۲۸). بر اساس این نگاه، قرآن انسان را موجودی معرفی می‌کند که نباید زندگی خود را با پایان یافتن یک فعالیت ارزشمند، متوقف کند.

۱.۲.۵. مفهوم «فراغت» در تفسیر نمونه

در تفسیر نمونه، حذف متعلق «فراغت» موجب شده است که آیه دارای معنایی گسترده باشد. بنابراین، مراد فقط پایان یافتن یک عمل خاص نیست؛ بلکه هر مرحله‌ای از فعالیت که به پایان برسد، زمینه آغاز مرحله‌ای دیگر خواهد بود. این تفسیر با توجه به فضای کلی سوره، آیه را الگویی برای استمرار کوشش معرفی می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷، ص ۱۳۰)

۲.۲.۵. مفهوم «نصب» در تفسیر نمونه

در این تفسیر، «نصب» به معنای تعب و زحمت دانسته شده است. تأکید اصلی آن است که انسان نباید پس از انجام یک کار، دچار سستی و رکود شود. از این منظر، انسان باید همواره در مسیر انجام کارهای مهم قرار گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷: ۱۳۰)

۳.۲.۵. دلالت‌های اجتماعی قابل استخراج از تفسیر نمونه

دیدگاه تفسیر نمونه بیشترین ظرفیت را برای استخراج دلالت‌های اجتماعی دارد؛ زیرا از همان ابتدا بر کاربرد عمومی آیه تأکید می‌کند. اول: فرهنگ کار مستمر جامعه‌ای که افراد آن بر اساس این آموزه تربیت شوند، جامعه‌ای خواهد بود که فعالیت را امری مقطعی نمی‌بیند. دوم: تبدیل موفقیت به مسئولیت جدید در این نگاه، موفقیت پایان مسیر نیست؛ بلکه زمینه‌ای برای پذیرش مسئولیت تازه است. سوم: ارزش‌گذاری فعالیت‌های مهم تفسیر نمونه بر «کار مهم» تأکید دارد؛ بنابراین آیه ناظر به هر نوع اشتغال بی‌هدف نیست، بلکه فعالیت‌های ارزشمند و سازنده را مورد توجه قرار می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷: ۱۲۸ و ۱۲۹)

۳.۵. تحلیل آیه در «التحریر والتنویر»

ابن عاشور در تفسیر سوره انشراح، بیش از دیگر مفسران مورد مطالعه، به تحلیل ادبی و سیاقی آیه توجه دارد. نقطه مهم در دیدگاه او، توجه به حذف متعلق

«فرغت» است. به اعتقاد ابن عاشور، اگرچه برای آیه مصادیق مختلفی ذکر شده است، اما حذف متعلق سبب می‌شود که معنا محدود به یک مورد خاص نباشد؛ بلکه هرگاه پیامبر (ص) از کاری فارغ شود، به کار دیگری روی آورد. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۳۶۸)

۱.۳.۵. مفهوم «تعاقب الأعمال»

یکی از مهم‌ترین نکات در تفسیر ابن عاشور، مفهوم «تعاقب الأعمال» است. بر اساس این تحلیل، زندگی پیامبر (ص) باید عرصه پیوستگی اعمال مهم باشد؛ یعنی پایان یافتن یک عمل، خلأ ایجاد نمی‌کند، بلکه آغاز عمل دیگری است. ابن عاشور این حرکت پیوسته را با اهدافی مانند: استمرار دعوت؛ تثبیت دین؛ منفعت رساندن به امت؛ پیوند می‌دهد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۳۶۸).

۲.۳.۵. دلالت‌های اجتماعی در تفسیر التحریر والتنویر

از دیدگاه ابن عاشور، روشن‌ترین دلالت اجتماعی آیه را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

اول: مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ زیرا فعالیت پیامبر (ص) صرفاً امری فردی نیست، بلکه با هدایت جامعه ارتباط دارد دوم: پیوند عمل با خیر عمومی؛ تعبیر «نفع الأمة» نشان می‌دهد که فعالیت مطلوب، فعالیتی است که آثار اجتماعی دارد. سوم: استمرار پروژه اصلاحی جامعه و رهبر الهی پس از انجام یک مأموریت، نباید متوقف شوند (ر.ک. ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۳۶۸). در میان تفاسیر مورد مطالعه، التحریر والتنویر صریح‌ترین پیوند را میان آیه و نفع اجتماعی برقرار می‌کند.

۴.۵. تحلیل آیه در «فی ظلال القرآن»

سید قطب آیات پایانی سوره انشراح را در فضای حرکت رسالی پیامبر (ص) تفسیر می‌کند. در نگاه او، پیامبر (ص) پس از تحمل دشواری‌های دعوت، مأمور است که همچنان در مسیر تلاش باقی بماند. وی میان دو حوزه ارتباط برقرار می‌کند. یک: فعالیت در عرصه دعوت و جامعه؛ دو: خلوت و اتصال به خداوند (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۲۹).

۱.۴.۵. معنای «فانصب» در «فی ظلال القرآن»

در نگاه سید قطب، نصب به معنای تلاش همراه با مجاهدت است؛ اما این تلاش بدون پشتوانه روحی و ارتباط با خداوند ممکن نیست. از همین رو، آیه



هشتم: **وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ** برای او مکمل آیه هفتم است (ر.ک: سید قطب، ج ۶: ۳۹۳۱).

۲.۴.۵. دلالت‌های اجتماعی قابل استخراج در فی ظلال القرآن

فعالیت اجتماعی نیازمند پشتوانه معنوی است از دیدگاه سید قطب، حرکت اجتماعی بدون ارتباط با خداوند دوام نمی‌آورد. اول: رهبران اصلاحی نباید پس از موفقیت متوقف شوند زیرا رسالت، فرآیندی مستمر است. دوم پیوند عبادت و اجتماع در این نگاه، عبادت کناره‌گیری از جامعه نیست؛ بلکه نیروی ادامه حضور اجتماعی است. (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۳۱)

۵.۵. جمع بندی تطبیقی دیدگاه تفاسیر

ظرفیت اجتماعی	برداشت غالب از آیه	محور اصلی تحلیل	تفسیر
مسئولیت الهی انسان	استمرار بندگی و توجه به خدا	پیوند رسالت و عبودیت	المیزان
فرهنگ تلاش و بویایی	کار مهم پس از کار مهم	پیام تربیتی و عمومی	تفسیر نمونه
مسئولیت اجتماعی و خیر عمومی	تعاقب الأعمال و نفع الأمة	تحلیل ادبی و مقاصدی	التحریر والتنوير
استمرار حرکت اصلاحی	تلاش همراه با اتصال به خدا	حرکت رسالی	فی ظلال القرآن

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که اگرچه تفاسیر منتخب در تعیین مصادیق «فراغت» تفاوت دارند، اما همگی بر یک اصل اساسی اتفاق دارند و آن این است که انسان مؤمن پس از پایان یک مسئولیت، به سوی مسئولیتی دیگر حرکت می‌کند و این حرکت باید با جهت‌گیری الهی همراه باشد.

از میان این تفاسیر، التحریر والتنوير بیشترین تصریح را درباره بعد اجتماعی آیه دارد؛ در حالی که تفسیر نمونه ظرفیت کاربرد اجتماعی عام‌تر، المیزان پشتوانه توحیدی و معنوی، و فی ظلال القرآن بُعد حرکتی و رسالی آن را برجسته می‌کند.

۶. استخراج و دسته‌بندی دلالت‌های اجتماعی آیه ۷ سوره انشراح از منظر

تفاسیر معاصر

پس از بررسی دیدگاه تفاسیر منتخب، اکنون می‌توان به مرحله تحلیل و استخراج دلالت‌های اجتماعی آیه پرداخت. در این مرحله، توجه به یک اصل روش‌شناختی ضروری است؛ بدین معنا که مقصود از «دلالت اجتماعی» در این پژوهش، آن دسته از مفاهیمی است که یا به صورت مستقیم در متن تفاسیر مورد

تصریح قرار گرفته‌اند و یا با تکیه بر مجموعه قرائن تفسیری و سیاقی آیه قابل استنباط هستند. بنابراین، مفاهیمی مانند «نفع امت» که ابن عاشور صریحاً بدان اشاره کرده است، در سطح نخست قرار می‌گیرد؛ اما مفاهیمی مانند «فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی» که از مجموع دیدگاه‌ها استخراج می‌شود، در سطح استنباطی تحلیل خواهد شد.

بر اساس تحلیل تطبیقی چهار تفسیر مورد مطالعه، دلالت‌های اجتماعی آیه را می‌توان در هفت محور اصلی دسته‌بندی کرد:

۱.۶. دلالت نخست: استمرار مسئولیت و نفی رکود اجتماعی

یکی از بنیادی‌ترین دلالت‌های آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» این است که پایان یافتن یک فعالیت، به معنای پایان یافتن مسئولیت نیست. ساختار آیه، حرکت از «فراغت» به «نصب» را نشان می‌دهد؛ یعنی پس از پایان یک مرحله، مرحله دیگری از تلاش آغاز می‌شود. در این زمینه، حذف متعلق «فرغت» نقش مهمی دارد. ابن عاشور معتقد است که ذکر نکردن متعلق فراغت، سبب عمومیت یافتن معنا می‌شود؛ به گونه‌ای که آیه بر استمرار اشتغال پیامبر (ص) به اعمال مهم دلالت می‌کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳: ۳۶۸). بر اساس این تحلیل، انسان مؤمن موجودی نیست که با دستیابی به موفقیت یا عبور از دشواری، مسئولیت خود را پایان یافته تلقی کند. بلکه هر مرحله از تحقق هدف، زمینه‌ای برای مسئولیتی تازه فراهم می‌سازد. علامه طباطبایی نیز با قرار دادن آیه در سیاق نعمت‌های الهی و دشواری‌های رسالت، نشان می‌دهد که گشایش الهی مقدمه ادامه حرکت است، نه عامل توقف (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۱۶).

تحلیل اجتماعی

از این منظر، آیه مبنایی برای نقد فرهنگ سکون و بی‌تفاوتی اجتماعی فراهم می‌کند. جامعه‌ای که اعضای آن پس از انجام یک وظیفه، خود را از مسئولیت کنار بکشند، با منطق «فانصب» سازگار نیست. بنابراین، نخستین دلالت اجتماعی آیه عبارت است از: ضرورت استمرار مسئولیت‌پذیری فرد و جامعه پس از عبور از هر مرحله از فعالیت.

۲.۶. دلالت دوم: شکل‌گیری فرهنگ تلاش و فعالیت هدفمند

دومین محور اجتماعی آیه، مفهوم «نصب» است. «نصب» در این آیه صرفاً به معنای انجام دادن یک کار نیست، بلکه بر تلاش همراه با جدیت و تحمل دشواری دلالت دارد. راغب اصفهانی، اصل معنای «نصب» را تعب و رنج ناشی



از تلاش می‌داند (راغب اصفهانی، ۵۰۲ق، ص ۸۰۷). مفسران نیز بر همین جنبه تأکید کرده‌اند.

در تفسیر نمونه، این مفهوم به صورت کاربردی‌تر بیان شده و آیه به عنوان دعوت به پرداختن به «کار مهم دیگر» پس از پایان یک کار مهم تحلیل شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ش، ج ۲۷: ۱۲۸).

تحلیل اجتماعی

بر اساس این برداشت، قرآن نوع خاصی از فعالیت را ارزشمند می‌داند؛ فعالیتی که: اول: دارای هدف باشد؛ دوم: در مسیر ارزش‌های الهی قرار گیرد؛ سوم: به رشد فرد و جامعه کمک کند. بنابراین، آیه تنها دعوت به «مشغول بودن» نیست؛ بلکه دعوت به فعالیت معنادار و هدفمند است. از این منظر، یکی از دلالت‌های اجتماعی آیه عبارت است از: ترویج فرهنگ تلاش مسئولانه و پرهیز از بی‌هدفی و بطلالت اجتماعی.

۳.۶. دلالت سوم: پیوند مسئولیت فردی با خیر عمومی

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، نقش دیدگاه ابن‌عاشور در آشکارسازی بعد اجتماعی آیه است. ابن‌عاشور در تحلیل آیه، پس از بیان مفهوم تعاقب اعمال، فعالیت‌های پیامبر (ص) را با اهدافی همچون تثبیت دین و منفعت‌رسانی به امت مرتبط می‌سازد: «تعاقب الأعمال ... لتقرير الدين ونفع الأمة» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۸) این عبارت نشان می‌دهد که از نگاه وی، حرکت و تلاش پیامبر (ص) صرفاً جنبه فردی ندارد، بلکه به اصلاح و منفعت جامعه مرتبط است. تحلیل اجتماعی

بر اساس این دیدگاه، قرآن میان رشد فرد و خیر اجتماعی جدایی ایجاد نمی‌کند. انسان مؤمن زمانی به کمال مطلوب نزدیک می‌شود که تلاش او آثار مثبت اجتماعی داشته باشد. بنابراین، سومین دلالت آیه عبارت است از: تبدیل توانایی و فرصت فردی به مسئولیت در برابر جامعه. این اصل می‌تواند مبنایی برای تحلیل مفاهیمی مانند: خدمت اجتماعی؛ مسئولیت عمومی؛ مشارکت در اصلاح جامعه؛ احساس تعلق اجتماعی؛ قرار گیرد.

۴.۶. دلالت چهارم: تبدیل نعمت و گشایش به مسئولیت بیشتر

یکی از نکات برجسته سیاق سوره این است که فرمان «فانصب» پس از بیان نعمت‌های الهی آمده است. خداوند ابتدا می‌فرماید: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ و پس از یادکرد آسانی پس از سختی، فرمان به تلاش می‌دهد. این ترتیب نشان می‌دهد

که نعمت الهی در منطق قرآن، زمینه مسئولیت بیشتر است. علامه طباطبایی با توجه به ارتباط آیات، این فرمان را نتیجه لطف الهی و آماده‌سازی پیامبر (ص) برای ادامه مسیر رسالت می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۶).

تحلیل اجتماعی

بر اساس این برداشت، امکانات، موفقیت‌ها و فرصت‌های اجتماعی نباید صرفاً ابزار بهره‌مندی شخصی تلقی شوند؛ بلکه هر ظرفیت ایجادشده، مسئولیتی متناسب با خود ایجاد می‌کند. از این رو، آیه می‌تواند مبنایی برای این اصل قرار گیرد که هر گشایشی، زمینه مسئولیت تازه‌ای به همراه دارد.

۵.۶. دلالت پنجم: پیوند فعالیت اجتماعی با معنویت

آیه هفتم بلافاصله با آیه هشتم همراه است: «وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» این ارتباط نشان می‌دهد که فعالیت مورد نظر قرآن، فعالیتی صرفاً دنیوی و منفصل از خداوند نیست. علامه طباطبایی و سید قطب هر دو بر این پیوند میان تلاش و توجه به خداوند تأکید کرده‌اند. در نگاه سید قطب، اتصال به خداوند نیرویی است که حرکت رسالی را استمرار می‌بخشد و انسان را برای تحمل مسئولیت‌های اجتماعی آماده می‌سازد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۲۹).

تحلیل اجتماعی

این دلالت مانع از آن می‌شود که آیه صرفاً به یک توصیه درباره بهره‌وری یا افزایش فعالیت تقلیل یابد.

در منطق قرآن: فعالیت مطلوب = تلاش + جهت الهی. از این منظر، جامعه مطلوب قرآنی جامعه‌ای نیست که فقط فعال باشد، بلکه جامعه‌ای است که فعالیت آن جهت‌ارزشی و معنوی داشته باشد.

۶.۶. دلالت ششم: استمرار حرکت اصلاحی و تمدنی

اگر آیه در بستر رسالت پیامبر (ص) مطالعه شود، روشن می‌شود که فرمان به «نصب» مربوط به یک حرکت تاریخی و اصلاحی است. سید قطب در فی‌الضلال القرآن، آیات پایانی سوره را در فضای حرکت دعوت و رسالت تحلیل می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که پیامبر (ص) پس از تحمل دشواری‌ها و رسیدن به گشایش، همچنان مأمور ادامه مسیر است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۲۹).

تحلیل اجتماعی

از این منظر، جامعه مؤمن جامعه‌ای ایستا نیست؛ بلکه جامعه‌ای است که



همواره در مسیر اصلاح و تعالی حرکت می‌کند. این دلالت را می‌توان در قالب سه مرحله بیان کرد: اول: مواجهه با دشواری؛ دوم: دستیابی به گشایش؛ سوم: غاز مرحله جدید اصلاح و تلاش. بنابراین، آیه الگویی برای استمرار پروژه اصلاح اجتماعی ارائه می‌دهد.

۷.۶. دلالت هفتم: اولویت‌بندی مسئولیت‌ها و مدیریت فرصت

یکی دیگر از دلالت‌هایی که از مجموعه تفاسیر قابل استنباط است، توجه به ترتیب و پیوستگی فعالیت‌هاست.

تعبیر: فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ نشان می‌دهد که فعالیت انسانی در نگاه قرآن باید دارای نظم و مرحله‌بندی باشد؛ یعنی انسان ابتدا یک مسئولیت را به انجام رساند و سپس به مسئولیتی دیگر بپردازد. این برداشت به‌ویژه با تحلیل ابن‌عاشور درباره «تعاقب الأعمال» و با تأکید تفسیر نمونه بر «کار مهم پس از کار مهم» هماهنگ است.

تحلیل اجتماعی

بر این اساس، جامعه‌ای که بر اساس این آموزه تربیت می‌شود، جامعه‌ای است که: فرصت‌ها را هدر نمی‌دهد؛ مسئولیت‌ها را اولویت‌بندی می‌کند؛ از پراکندگی و بی‌نظمی در فعالیت‌ها پرهیز می‌کند.

این مفهوم را می‌توان به عنوان یکی از دلالت‌های مدیریتی و اجتماعی آیه مطرح کرد؛ البته با تصریح اینکه این برداشت، استنباط پژوهشگر از مجموعه تفاسیر است، نه عبارت مستقیم مفسران.

۸.۶. جدول نهایی دسته‌بندی دلالت‌های اجتماعی آیه

ردیف	دلالت اجتماعی	پشتوانه تفسیری
۱	استمرار مسئولیت و نفی رکود	المیزان، التحرير والتنوير
۲	فرهنگ تلاش هدفمند	تفسیر نمونه
۳	پیوند عمل فردی با خیر عمومی	التحرير والتنوير
۴	تبدیل نعمت به مسئولیت	المیزان و سیاق سوره
۵	پیوند فعالیت و معنویت	المیزان، فی ظلال القرآن
۶	استمرار حرکت اصلاحی	فی ظلال القرآن
۷	نظم و اولویت‌بندی مسئولیت‌ها	التحرير والتنوير، تفسیر نمونه

تحلیل تطبیقی تفاسیر نشان می‌دهد که آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» را نمی‌توان صرفاً توصیه‌ای فردی درباره عبادت یا تلاش شخصی دانست. هرچند نقطه آغاز آیه، خطاب به پیامبر اکرم (ص) در مسیر رسالت است، اما ساختار مفهومی آن ظرفیت ارائه الگویی عام برای فهم مسئولیت انسانی دارد. بر اساس این الگو، انسان مؤمن پس از پایان یک مرحله از عمل، وارد مرحله‌ای جدید می‌شود؛ این حرکت باید با تلاش، جهت‌گیری الهی و توجه به خیر عمومی همراه باشد. از این رو، مهم‌ترین پیام اجتماعی آیه را می‌توان در این گزاره خلاصه کرد: «در منطق قرآن، فراغت از مسئولیت، پایان راه نیست؛ بلکه آغاز مسئولیتی تازه برای تحقق خیر و اصلاح است».

۷. بحث و تحلیل نهایی یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی دلالت‌های اجتماعی آیه هفتم سوره انشراح از منظر تفاسیر معاصر انجام شد. تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های علامه طباطبائی در المیزان، مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، ابن عاشور در التحریر والتنویر و سید قطب در فی ظلال القرآن نشان داد که گرچه مفسران در تعیین مصداق «فراغت» و نوع فعالیت پس از آن تفاوت‌هایی دارند، اما در یک اصل بنیادین اشتراک دارند: انسان مؤمن پس از پایان یک مرحله از عمل، در مسیر مسئولیتی دیگر قرار می‌گیرد و نباید دچار توقف و سکون شود.

این اشتراک، پایه اصلی استخراج دلالت‌های اجتماعی آیه است. البته برای جلوگیری از توسعه بی‌ضابطه معنا، باید میان «معنای تفسیری آیه» و «کاربرد اجتماعی آن» تمایز نهاد. در سطح تفسیری، آیه خطاب مستقیم به پیامبر اکرم (ص) و ناظر به استمرار عبادت، رسالت و توجه به خداوند است؛ اما در سطح اجتماعی، این اصل قابل استخراج است که انسان مؤمن در برابر فرصت‌ها، توانایی‌ها و مسئولیت‌های خویش دارای تعهد مستمر است.

۱.۷. از «فراغت» تا «مسئولیت جدید»: بازخوانی مفهوم حرکت در قرآن

یکی از نکات برجسته آیه این است که قرآن میان «پایان یک کار» و «پایان مسئولیت» تفاوت می‌گذارد. فعل «فرغت» در این آیه، برخلاف معنایی که ممکن است در کاربرد عرفی امروز از «فراغت» برداشت شود، به معنای تعطیلی فعالیت نیست؛ بلکه به معنای پایان یافتن یک مرحله از اشتغال است. ابن عاشور با توجه به حذف متعلق «فرغت»، برگسترده‌گی معنای آیه تأکید می‌کند و آن را ناظر به تعاقب اعمال می‌داند؛ یعنی هرگاه یک عمل مهم پایان یافت، عمل مهم



دیگری باید آغاز شود (ابن عاشور، بی تا، ج ۳: ۴۱۷). از این منظر، یکی از اصول اجتماعی قابل استخراج از آیه، اصل پویایی مسئولیت است. بر اساس این اصل، فرد و جامعه مؤمن نباید موفقیت، پیروزی یا پایان یک مأموریت را نقطه پایان حرکت بدانند؛ بلکه هر دستاورد، زمینه‌ای برای مسئولیت جدید ایجاد می‌کند. این برداشت با فضای کلی سوره نیز هماهنگ است؛ زیرا خداوند پس از بیان گشایش و رفع دشواری‌ها، پیامبر (ص) را به ادامه تلاش دعوت می‌کند. بنابراین، در منطق سوره، نعمت مقدمه مسئولیت است، نه زمینه آسایش منفعلانه.

۲.۷. تفاوت «فرهنگ کار» قرآنی با نگاه صرفاً بهره‌وری محور

یکی از برداشت‌های رایج از آیه، تأکید بر تلاش و فعالیت است. این برداشت در تفسیر نمونه برجسته‌تر دیده می‌شود؛ زیرا این تفسیر از آیه چنین نتیجه می‌گیرد که انسان پس از پایان یک کار مهم باید به کار مهم دیگری بپردازد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷: ۱۲۸). با این حال، تحلیل تفسیری نشان می‌دهد که «نصب» در منطق قرآن، صرفاً به معنای افزایش حجم کار یا اشتغال دائمی نیست. آیه بلافاصله می‌افزاید: *وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ* بنابراین، معیار ارزش فعالیت، تنها میزان تلاش ظاهری نیست؛ بلکه جهت و غایت آن نیز اهمیت دارد. در نتیجه، فرهنگ فعالیت در این آیه دارای سه ویژگی است:

الف) هدفمندی فعالیت باید در مسیر هدفی ارزشمند قرار گیرد. ب) استمرار فعالیت با پایان یک مرحله متوقف نمی‌شود. ج) جهت الهی عمل انسانی باید با توجه به خداوند معنا پیدا کند. از این رو، دلالت اجتماعی آیه را نباید با فرهنگ کار صرفاً اقتصادی یا افزایش بهره‌وری مادی یکسان دانست؛ بلکه قرآن‌الگوایی از فعالیت مسئولانه و ارزش مدار ارائه می‌کند.

۳.۷. رابطه فرد و جامعه در پرتو آیه

یکی از مسائل مهم در تحلیل اجتماعی آیات قرآن، نسبت میان رشد فردی و اصلاح اجتماعی است. آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» از این جهت قابل توجه است که خطاب آن به یک فرد (پیامبر اکرم (ص)) است، اما محتوای آن به حوزه‌ای فراتر از فرد مربوط می‌شود. ابن عاشور با پیوند دادن اعمال پیامبر (ص) با «نفع الأمة»، نشان می‌دهد که فعالیت فرد برگزیده الهی دارای آثار اجتماعی است (ابن عاشور، بی تا، ج ۳: ۳۶۸).

این نکته را می‌توان به عنوان یکی از اصول اجتماعی قرآن مطرح کرد: انسان مؤمن، موجودی جدا از جامعه نیست؛ بلکه کمال فردی او با میزان اثرگذاری

مثبت او در جامعه ارتباط دارد. بر این اساس، آیه از دو افراط جلوگیری می‌کند: افراط نخست: فردگرایی یعنی عبادت و رشد فردی بدون توجه به جامعه. افراط دوم: فعالیت اجتماعی فاقد معنویت یعنی تلاش بیرونی بدون ارتباط با خداوند. در منطق آیه، این دو باید در کنار یکدیگر قرار گیرند: تلاش اجتماعی + پیوند الهی = حرکت مطلوب قرآنی

۴.۷. نقش معنویت در پایداری کنش اجتماعی

یکی از یافته‌های مهم مقایسه تفاسیر، به‌ویژه در میزان و فی ظلال القرآن، این است که فعالیت اجتماعی در نگاه قرآن بدون پشتوانه معنوی پایدار نیست. سید قطب در تحلیل خود بر این نکته تأکید دارد که پیامبر (ص) برای ادامه مسیر رسالت، نیازمند اتصال دائم به خداوند است و آیه هشتم مکمل فرمان به تلاش در آیه هفتم است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۲۹).

علامه طباطبایی نیز آیه را در چارچوب عبودیت و رغبت به خداوند تحلیل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۱۷). بر اساس این دیدگاه، قرآن میان «عبادت» و «مسئولیت اجتماعی» تقابل ایجاد نمی‌کند؛ بلکه عبادت را سرچشمه توانایی برای انجام مسئولیت می‌داند. این نکته در تحلیل جوامع دینی اهمیت دارد؛ زیرا فعالیت اجتماعی زمانی می‌تواند استمرار یابد که از منبعی عمیق‌تر از انگیزه‌های زودگذر انسانی تغذیه شود.

۸. نتیجه‌گیری

آیه هفتم سوره انشراح: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» در نگاه نخست، فرمانی خطاب به پیامبر اکرم (ص) در مسیر رسالت و عبادت است؛ اما بررسی سیاق آیه و تحلیل تفاسیر معاصر نشان می‌دهد که این آیه دارای ظرفیت گسترده‌ای برای ارائه اصول اجتماعی نیز هست. مطالعه تطبیقی میزان، تفسیر نمونه، التحریر والتنویر و فی ظلال القرآن نشان داد که مفسران، با وجود تفاوت در تعیین مصداق «فراغت»، بر چند محور مشترک تأکید دارند:

۱. فراغت از یک کار، پایان مسئولیت نیست؛ بلکه آغاز مرحله‌ای دیگر است.
 ۲. فعالیت مطلوب در قرآن، فعالیت هدافتمند و همراه با جدیت است.
 ۳. عمل انسان مؤمن باید با جهت‌گیری الهی همراه باشد.
 ۴. مسئولیت فردی می‌تواند به خیر عمومی و اصلاح اجتماعی منتهی شود.
 ۵. حرکت اصلاحی جامعه مؤمن، فرآیندی مستمر و توقف‌ناپذیر است.
- در میان تفاسیر بررسی شده، التحریر والتنویر صریح‌ترین بیان را درباره بعد



اجتماعی آیه ارائه می‌کند؛ زیرا ابن عاشور مفهوم تعاقب اعمال را با «نفع امت» پیوند می‌دهد. تفسیر نمونه بیشترین تأکید را بر جنبه عمومی و تربیتی آیه دارد؛ المیزان بنیان توحیدی و عبادی آن را برجسته می‌کند و فی ظلال القرآن بر جنبه حرکتی و رسالی آیه تأکید می‌ورزد.

برآیند این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که آیه هفتم سوره انشراح الگویی سه سطحی ارائه می‌کند: سطح فردی: تربیت انسان مسئول، پویا و اهل تلاش؛ سطح اجتماعی: شکل‌گیری فرهنگ مشارکت، خدمت و خیر عمومی؛ سطح تمدنی: استمرار حرکت اصلاحی جامعه در مسیر الهی. بر این اساس، می‌توان گفت دلالت اجتماعی اصلی آیه عبارت است از:

«انسان برخوردار از نعمت و گشایش الهی، مأمور به تبدیل آن فرصت به مسئولیتی تازه است و این مسئولیت، هنگامی ارزشمند خواهد بود که در مسیر خداوند و در جهت خیر جامعه قرار گیرد.» بر این اساس، آیه هفتم سوره انشراح را می‌توان یکی از آیات بنیادین در تبیین منطق قرآنی «حرکت مسئولانه انسان مؤمن» دانست؛ انسانی که گشایش را پایان راه نمی‌بیند، بلکه آن را آغاز مرحله‌ای تازه از خدمت، اصلاح و تقرب الهی می‌داند.

الگوی نهایی پیشنهادی پژوهش

* بر اساس یافته‌های مقاله، می‌توان دلالت اجتماعی آیه را در این الگو خلاصه کرد:

پیام اجتماعی	مفهوم قرآنی	مرحله
توانمندسازی انسان	شرح صدر و رفع دشواری	۱
	فراغت	۲
آغاز تلاش جدید	نصب	۳
جهت‌دهی ارزشی فعالیت	رغبت به خدا	۴
تبدیل عمل فردی به خیر عمومی	نفع امت	۵

* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا). «التحریر و التنویر»، بی نا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۵۴۱۴هـ). «لسان العرب»، بیروت: دار صادر. چاپ سوم.
۳. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق). «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل». تحقیق: محمد باقر محمودی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. چاپ اول.
۴. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). «تفسیر نورالثقلین»، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۵۰۲هـ). «مفردات الفاظ القرآن». دمشق: دارالقلم.
۶. سید بن قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق). «فی ظلال القرآن». بیروت: دارالشروق. چاپ هفدهم.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن»، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۹. طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۲ش). «مجمع البحرین». تهران: مرتضوی.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۲۰۰۳م). «العين». بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق). «الکاشف». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول.

Resources:

1. Ibn 'Āshūr, Muḥammad ibn Ṭāhir. (n.d.). Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr. N.p.
2. Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisān al-'Arab. 3rd ed. Beirut: Dār Sādir.
3. Ḥuskanī, 'Ubayd Allāh ibn Aḥmad. (1411 AH). Shawāhid al-Tanzīl li-Qawā'id al-Tafḍīl. Edited by Muḥammad Bāqir Maḥmūdī. 1st ed. Tehran: Sāzmān-i Chap va Intishārāt-i Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī.
4. Ḥuwayzī, 'Abd 'Alī ibn Jum'ah. (1415 AH). Tafsīr Nūr al-Thaqalayn. 4th ed. Qom: Ismā'iliyān.
5. Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. (502 AH). Mufradāt Alfāẓ al-Qur'ān. Damascus: Dār al-Qalam.
6. Sayyid Quṭb, Ibrāhīm ibn Ḥusayn al-Shādhilī. (1412 AH). Fī Zilāl al-Qur'ān. 17th ed. Beirut: Dār al-Shurūq.
7. Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. (1417 AH). Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān. 5th ed. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, Jāmi'at-i Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qom.
8. Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1372 SH). Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān. 3rd ed. Tehran: Intishārāt-i Nāṣir Khusraw.
9. Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn. (1362 SH). Majma' al-Baḥrayn. Tehran: Murtazawī.
10. Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. (2003). Al-'Ayn. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
11. Mughniyah, Muḥammad Jawād. (1424 AH). Al-Kāshif. 1st ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
12. Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1374 SH). Tafsīr-i Namūnah. 1st ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.